



اکنون در کشور ما تبیین الگویی سازگار با فرهنگ بومی به عنوان اولویتی راهبردی برای دستیابی به سندی بالادستی مطرح شده است، ناگزیریم که نگاهی ژرف به کاستی ها و ناسازگاری های شاخص تولید ناخالص داخلی بیندازیم و تدوین شاخصی جایگزین که پیشرفت را بسیار فراتر از افزایش پول دست به دست شده در جامعه می داند در دستور کار طرح تبیین الگوی اسلامی ایرانی و اقتصاد مقاومتی قرار دهیم.

منتقدین تولید ناخالص داخلی معتقدند که تضادی اساسی در این شاخص پول-محور وجود دارد که آن را برای سنجش چیزی چون پیشرفت یک جامعه، ناکارآمد می سازد. این ناکارآمدی را منتقدین در ابهامی بزرگ می بینند. ایشان اشاره می کنند که به هر روش حسابرسی که تولید ناخالص داخلی محاسبه شود، بیش از اینکه این شاخصی برای سنجش «درآمدها» باشد در واقع شاخصی برای محاسبه «هزینه ها» در جامعه است. و مسلماً هر چه هزینه ها در یک جامعه بالاتر باشد، مشکلات نیز بیشتر است. مثلاً توجه کنیم که مقدار شیر خشکی که در یک کشور تولید و به فروش می رسد در تولید ناخالص داخلی آن کشور منظور می شود اما شیری که مادران شیرده در آن کشور به نوزادان خود می دهند و ضامن سلامتی، یعنی پیشرفت بهداشت جسمانی و روانی جمعیت آینده آن کشور، است در تولید ناخالص داخلی جایی ندارد. مثال دیگر اینکه، اگر تعداد مراجعین به اطبا و داروخانه ها در جامعه ای به شدت افزایش یابد، تولید ناخالص داخلی نیز جهش می یابد، اما بدیهی است که چنین جامعه ای در سلامت خود پیشرفت نداشته بلکه پسرفت داشته است. اگر تعداد مراجعین به بیمارستان ها به علت افزایش سوانح رانندگی زیاد گردد، مسلماً جامعه با افراد مجروح، معلول و یا تلفات جانی بیشتری روبروست، اما این فزونی به صورت تغییری رو به بالا، یعنی مثبت، در تولید ناخالص داخلی ثبت می شود.

همچنین عقلانی است که وقتی کیفیت غذایی که می خوریم، آبی که می نوشیم و هوایی که تنفس می کنیم بهتر شود بگوییم که پیشرفت کرده ایم. اما اگر در کشوری کود و سموم شیمیایی بیشتری مصرف شود، و مصرف انواع آلاینده های صنعتی مثل انواع سوخت های فسیلی و مصنوعات و ضایعات آنها آب و هوا را بیالاید، تولید ناخالص داخلی بالا می رود اما عملاً از کیفیت غذا، آب و هوا و نتیجتاً سلامت شهروندان کاسته می شود. پس با رجوع به این و هزاران مثال دیگر واضح است که شاخصی مثل تولید ناخالص داخلی معیار صادقی برای پیشرفت یک کشور نیست، اگر چه نشانگر دقیقی برای محاسبه تراکنش های مالی آن جامعه باشد.

نکته دیگر اینکه، تولید ناخالص داخلی «هزینه های خارجی»<sup>۲</sup> را در بر نمی گیرد. هزینه های خارجی به هزینه هایی گفته می شود که معمولا از طریق فرآیندهای تولیدی بر جامعه، منابع طبیعی و محیط زیست تحمیل می گردد. اگر چه این هزینه ها غالبا بالاست، اما در هیچ ترازوی درج نمی شود. مثلا یک تولید کننده الوار که بدون جایگزین کردن درختان جنگل، به بریدن آنها مبادرت می ورزد موجب بهبود (بالا رفتن) تولید ناخالص داخلی می شود، اما خساراتی که رانش زمین ناشی از نابودی درختان جنگل در مقیاس وسیع به بار می آورد، به عنوان ضرر و زیان در تولید ناخالص داخلی ورود پیدا نمی کند. برعکس، اگر رانش زمین مذکور موجب آسیب به یک یا چند روستا یا شهر شود، کلیه هزینه های بازسازی، به عنوان رقمی مثبت به تولید ناخالص داخلی افزوده و به عنوان پیشرفت جامعه تلقی می شود. خلاصه اینکه تولید ناخالص داخلی توانایی رصد آسیب ها را ندارد. به بیان دیگر، این شاخص پیشرفت، فاقد ساز و کار هشدار و ترمز است و فقط در صورت اُفت در تراکنش های مالی جامعه به سیاستگذاران علامت می دهد که اصطلاحا گاز بیشتری بدهند.

ویژگی دیگر تولید ناخالص داخلی این است که مشوق فرهنگ مصرف گرایی است. هر چه مصرف بیشتر، خرید بیشتر؛ و هر چه خرید بیشتر، تولید بیشتر. هر یک از این فعالیت های سه گانه بر ارقام تولید ناخالص داخلی می افزاید. لذا رصد اُفت و خیز تولید ناخالص داخلی این «منطق» را در میان برنامه ریزان و سیاستگذاران ترویج می دهد که سیاست هایی که به مصرف بیشتر در جامعه بینجامد برای جامعه خوب است و لذا پشتیبانی از چنین سیاست هایی «منطقی» و به صلاح محسوب می شود.

از بحث بالا مشخص می شود که برای جامعه ای که می داند پول همه چیز نیست و به دنبال اهدافی چون بهروزی، سعادت، و تعالی انسانی هم هست، تولید ناخالص داخلی برای محک زدن به پیشرفت جامعه کافی نیست. چنین جامعه ای ناگزیر است که تعریف جدیدی برای پیشرفت تبیین کند و شاخصی کارآمدتر و جامع تر تدوین نماید، شاخصی که در آن معیارهای پولی و اقتصادی در کنار معیارهای اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی مثل سلامتی، رشد معنوی، یادگیری، سرزندگی و نشاط،

---

<sup>2</sup> Externalities این لغت برای اشاره به هزینه هایی استفاده می شود که معمولا در قیمت گذاری کالاها و خدمات جایی پیدا نمی کنند. مثلا اینکه چه مقدار مواد آلاینده در طی فرآیند تولید و مصرف یک اتومبیل وارد هوا و یا آب یک کشور می شود در تعیین قیمت خودرو بی تاثیر است. این در حالی است که پاکیزه سازی هوا و آب از این آلاینده ها و نیز درمان شهروندانی که به موجب این آلودگی ها نیازمند به خدمات درمانی خواهند شد مستلزم هزینه کرد مبالغ قابل توجهی است.

امید، شکوفایی و رشدِ خلاقیت ها، و مهرورزی به دیگران به کار گرفته شود. تنها در این صورت یک شاخص پیشرفت می تواند نشانگرِ صادقی برای پیشرفت، به همان تعبیری که آن جامعه واژه پیشرفت را می فهمد، باشد. چنین شاخصی همچنین می باید بتواند آسیب ها را رصد کند و در صورت تجاوزِ آسیب ها از حد معینی، ساز و کار هشدار و ترمز آن فعال شود.

### شاخصی جایگزین برای سنجش پیشرفت در جامعه ای دینی

برای مدت ها اینطور تصور می شد که شاخص های اقتصادی مبتنی بر تراکنش های مالی تنها گزینه ممکن برای سنجش پیشرفت کشورهاست چون روشی برای اندازه گیری پیشرفت جامعه در دستیابی به اهداف دیگر، مثل سرزندگی و نشاط، رضامندی و تعالی وجود ندارد. اما هم اکنون می دانیم که این تصور درستی نبوده و نیست کما اینکه از دهه ۷۰ میلادی به این سو، شاخص های جامع تری برای جایگزین ساختن تولید ناخالص داخلی تدوین شده است.<sup>۳</sup> این نمونه های نوآورانه و پیشگام نشان می دهد که اگر جامعه ای قادر باشد پیشرفت و اهداف بومی مرتبط با آن را برای خود تعریف کند، می تواند معیارهای لازم برای سنجش میزان پیشرفت در راستای رسیدن به این اهداف را نیز تدوین نماید.

[www.eabbassi.ir](http://www.eabbassi.ir)

جالب توجه است که حرکت بدیع جهانی برای تدوین شاخص های جایگزین از کشوری آغاز شده که دارای حکومتی دینی (بودایی) است. این نمونه از شاخص های جایگزین برخاسته از کشوری کوچک اما کهن در قاره آسیا به نام بوتان است. طبعاً از منظری دینی، پیشرفت جامعه صرفاً یک پدیده اقتصادی و مالی نیست و حرکت به جلو از لحاظ فرهنگی، اجتماعی، روحی/روانی و محیطی، در زندگی افراد و حیات کل جامعه، مد نظر است. لذا برای بوتان، تولید ناخالص داخلی می بایستی با شاخص دیگری جایگزین می شد. شاخصی که با اهداف متنوع تر یک جامعه دین-مدار در مقوله پیشرفت سازگارتر و کارآمد تر می بود. ضمناً این شاخص باید تاثیر اجرای برنامه ریزی ها و سیاست های دولت را بر نزدیک شدن یا دور افتادن جامعه از این اهداف نشان می داد. لذا برای تجهیز برنامه ریزان و سیاستگذاران کشور به چنین شاخصی، در سال ۱۹۷۲ پادشاه بوتان، طی حکمی، برنامه ریزی و سیاستگذاری در کشور را مقید به شاخصی جایگزین با عنوان «شادی کلان ملی»<sup>۴</sup> اعلام کرد. هم اکنون قانون اساسی بوتان (اصل ۹، ویرایش ۲۰۰۸) دولت را موظف ساخته که برنامه ها و سیاست های خود را به گونه ای اتخاذ کند که اهداف این شاخص پیشرفت بومی محقق گردد.

<sup>۳</sup> برای آشنایی با مجموعه ای از این شاخص ها و بررسی قیاسی آنها به مقاله «فراتر از تولید ناخالص داخلی» نگاه کنید.

[www.eabbassi.ir/pdf/article\\_economics\\_gdpwhatisitnef.pdf](http://www.eabbassi.ir/pdf/article_economics_gdpwhatisitnef.pdf)

<sup>۴</sup> Gross National Happiness / GNH

معنی «شادی» در عنوان این شاخص به معنی خوشیِ زودگذر نیست. بلکه با توجه به تعاریف مفصل تر، نظیر دو نمونهٔ زیر، معلوم می‌شود که این شادی چیزی نزدیک تر به خشنودی و رضامندی است:

«شادیِ کلان ملی کیفیت [زندگی] در یک کشور را از جمیع جنبه‌های توسعه می‌سنجد و باور دارد که توسعه مفید یک جامعه انسانی وقتی به وقوع می‌پیوندد که توسعه مادی و معنوی در کنار هم رخ دهند و مکمل یکدیگر قرار گیرند.»

و در جایی دیگر:

«ما هم اکنون معنی شادی در این عنوان را به روشنی توصیف کرده ایم. شادی در اینجا با خوشی‌های زودگذر و لذت‌های آنی که معمولاً با این کلمه تداعی می‌شود متفاوت است. ما می‌دانیم که شادیِ راستین نمی‌تواند محقق گردد اگر ما [در جامعه] شاهد درد و رنج دیگران باشیم. این نوع شادی وقتی به سوی ما می‌آید که به دیگران خدمت کنیم، در هماهنگی کامل با طبیعت به سر بریم، و همزمان از نعمتِ عقل و درخشندگی ذهن خود غافل نباشیم.»

در ابتدا شاخص شادی کلان ملی با در نظر گرفتن ۴ «قلمرو» تعریف شد: (۱) پایداری و عدالت در توسعه اجتماعی/اقتصادی، (۲) حفاظت از محیط زیست، (۳) حفاظت و ارتقای فرهنگ، و (۴) حکمرانی خوب. در سیر تکاملی این شاخص در سه دهه اخیر، تعداد قلمروها به ۹ افزایش یافته است: (۱) استاندارد زندگی، (۲) سلامت، (۳) آموزش، (۴) استفاده از وقت (فقر زمانی)، (۵) حکمرانی خوب، (۶) آسایش روانی (شامل رضامندی، معنویت و احساسات سالم)، (۷) قوام زیست محیطی، (۸) تنوع و قوام فرهنگی، (۹) پویایی و نشاط اجتماعی. برای هر یک از این قلمروها معیارهای<sup>۵</sup> لازم تعریف شده است. در طی سه دهه اخیر، دولت بوتان و «مرکز مطالعات بوتان»، که کار نظرسنجی از مردم در اقصی نقاط کشور را بر عهده داشته است، رویکردی باز و انعطاف پذیر در ارتباط با تعریف معیارها و افزودن معیارهای جدید اتخاذ کرده اند. ایشان در عمل به استعداد عظیم و مقتضیات تدوین و کاربست این شاخص جدید واقف شده اند. در این خصوص می‌توان به کارآیی این شاخص در ارتباط با نکات زیر اشاره کرد:

<sup>5</sup> indicators

۱) تبیین الگوی متفاوتی از توسعه

بهره‌گیری مستمر از این شاخص اجازه داده است که کشور به تعریف دیگری از پیشرفت دست یابد، تعریفی که فقط به توانایی کشور برای تامین نیازهای مادی جامعه محدود نمی‌شود و معیارهایی را در بر می‌گیرد که پیش از این، به لحاظ کیفی بودن آنها، قابل اندازه‌گیری محسوب نمی‌شدند.

۲) استفاده بخشی از اطلاعات، برای هدایت توسعه به صورت متعادل

معیارهای مرتبط با هر بخش از دولت، به عنوان کارنامه همان بخش از دستگاه‌های اجرایی به شمار می‌آید. مثلاً اگر در رضامندی مردم در ارتباط با برق در یک بازه زمانی کاهش مشاهده شود، دستگاه‌های مرتبط می‌فهمند که باید به تلاش خود بیفزایند.

۳) تقسیم منابع بر اساس اهداف و ابزار غربالگری فراهم شده توسط شاخص

با استفاده از این شاخص، برنامه ریزان، سیاستگذاران و مدیران قادرند که از لحاظ زمانی و مکانی گروه‌های «کم‌تر شاد» را در سطح کشور شناسایی و برای بهبود کیفیت زندگی آنها برنامه ریزی کنند.

۴) سنجش رضامندی و سعادت مردم [www.eabbassi.ir](http://www.eabbassi.ir)

معیارهای چند وجهی این شاخص قادر بوده عملکرد اقتصاد و مدیریت آن توسط دولت و پیامدهای آن در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی را بسنجد. این رویکرد دقیق به سنجش پیشرفت که مستقیماً به زندگی مردم مربوط می‌شود موجب شده است که نتایج به دست آمده از سوی عامه مردم نیز قابل درک و استنتاج باشد.

۵) اندازه‌گیری پیشرفت کشور در طول زمان

معیارهای شاخص طوری تعریف شده که بتوان تاثیر سیاست‌های جدید را بر گروه‌های مختلف جامعه سنجید و در صورت لزوم به اصلاح آنها همت گمارد.

۶) مقایسه پیشرفت در جاهای مختلف کشور

به لحاظ تنوع وسیع اقلیمی، معیشتی، فرهنگی و دسترسی به خدمات در سراسر کشور، معیارها می‌باید نسبت به این تنوع در کل جمعیت حساس و انعطاف پذیر باشد.

نکته قابل توجه دیگر اینکه در تدوین معیارهای این شاخص سعی شده است که میزان مشارکت مردمی برای ارتقای سطح شادی در جامعه نیز منظور گردد. بدینصورت شاخص مذکور نه تنها آینه ای برای عملکرد مسئولان دولتی بلکه مشارکت مردم در رسیدن به اهداف پیشرفت در کشور نیز هست.

## الگوگذاری برای دیگر جوامع

پس از آزمایش رسمی و تبیین اثرات مثبت شاخص ابداعی بوتان، تلاش های مشابه در دیگر نقاط دنیا نیز بالا گرفته است. سه نمونه دیگر، از انگلستان، آمریکا/کانادا و ژاپن قابل ذکر است. اگر چه این سه نمونه هنوز به طور رسمی جایگزین تولید ناخالص داخلی نشده و به طور کامل بر برنامه ریزی و سیاستگذاری ها در این کشورها اثرگذار نبوده اند، اما از سوی صاحب نظران نمونه هایی مستعد به شمار می روند. منابع اینترنتی برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این شاخص های جایگزین که با عناوین «شاخص سیاره شاد»<sup>۶</sup> و «شاخص واقعی پیشرفت»<sup>۷</sup> و «میزان رضامندی بشر»<sup>۸</sup> منتشر شده است را در بخش «خواندنی های بیشتر» این گزارش گنجانده ایم. همچنین در «خواندنی های بیشتر» منابع اینترنتی مرتبط با تدوین و اجرای شاخص ابداع شده در کشور بوتان جهت مطالعه علاقمندان آورده شده است.

[www.eabbassi.ir](http://www.eabbassi.ir)

خواندنی های بیشتر

- Genuine Progress Indicator (US and Canada)

[http://rprogress.org/sustainability\\_indicators/genuine\\_progress\\_indicator.htm](http://rprogress.org/sustainability_indicators/genuine_progress_indicator.htm)

- Happy Planet Index (UK), <http://www.happyplanetindex.org>

- Human Satisfaction Measure (Japan),

Ohashi, T. (2007). "Human satisfaction measure version 4 and its policy implications." *The Stockholm Journal of East Asian Studies*, 17, 121-131, Center for Pacific Asia Studies, Stockholm University.

Ohashi, T. (2008). "Characteristics of "Human Satisfaction Measure (HSM)," sustainable social welfare indicator, as well as results and their analysis of weighting survey on its six categories based on AHP method". *Reitaku International Journal of Economic Studies*, 16 (1), 77-100.

سایت رسمی شاخص «شادی کلان ملی» در بوتان

[www.grossnationalhappiness.com](http://www.grossnationalhappiness.com)

راهنمای شاخص «شادی کلان ملی»

<http://www.grossnationalhappiness.com/wp-content/uploads/2012/04/Short-GNH-Index-edited.pdf>

سایت مرکز مطالعات بوتان

[www.bhutanstudies.org.bt](http://www.bhutanstudies.org.bt)

مجموعه مقالات همایش های بین المللی برگزار شده توسط سایت مرکز مطالعات بوتان

<http://www.bhutanstudies.org.bt/category/conference-proceedings>

<sup>6</sup> The Happy Planet Index (UK)

<sup>7</sup> The Genuine Progress Indicator (US and Canada)

<sup>8</sup> The Human Satisfaction Measure (Japan)

---

\* اسفندیار عباسی، پژوهشگر و طراح سامانه های توسعه در شهر و روستا، بنیانگذار سایت اطلاع رسانی «در خدمت اصلاح الگوی مصرف» است. مخاطبین این پایگاه را مصرف کنندگان، تولیدکنندگان، اصحاب حوزه و دانشگاه، رسانه ها، برنامه ریزان و سیاستگذاران کشور تشکیل می دهند. آگاهی رسانی به مخاطبین در مورد جملیات علمی و آلودگی اطلاعاتی در جمیع حوزه های علمی و فناوری و نیز عرضه اطلاعات معتبر علمی، معرفی فناوری های مناسب و ارائه خدمات مشاوره، به منظور تسهیل حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف در ایران، از وظایف اصلی این پایگاه قرار گرفته است.

سایت اطلاع رسانی «در خدمت اصلاح الگوی مصرف» [www.eabbassi.ir/newpages.htm](http://www.eabbassi.ir/newpages.htm)

[www.eabbassi.ir](http://www.eabbassi.ir)